

از طهران تا پترزبورغ از پترزبورگ تا تهران

قصه سفری که با ناسا بدین شاه رفتیم

بهنام ابوترابی

سرشناسه	: ابوتراپیان، بهنام، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: از طهران تا پترزبورگ و از پترزبورگ تا تهران "قصه سفری که با ناصرالدین شاه رفتیم" / بهنام ابوتراپیان
مشخصات نشر	: تهران روزنه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۰ ص.: مصور (بخشی رنگی)
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۷۷۹-۶
وضعیت فهرست	: فیا
موضوع	: ابوتراپیان، بهنام، ۱۳۶۱ - - سفرها - روسیه - سن پترزبورگ
موضوع	: سن پترزبورگ (روسیه) - سیر و سیاحت - قرن ۱۳ ق.
موضوع	: Saint Petersburg (Russia) -- Description and travel -- 19th century :
موضوع	: سن پترزبورگ (روسیه) - سیر و سیاحت - قرن ۱۴ ق.
موضوع	: Saint Petersburg (Russia) Description and travel -- 20th century :
رده‌بندی کنگره	: DSR ۱۳۲۵ / ۴ الف ۲ الف / ۱۳۹۶
رده‌بندی کنگره	: ۹۵۵/۰۷۴۰۴۲ :
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۰۸۰۶۹۷ :



از طهران تا پترزبورگ و از پترزبورگ تا تهران؛ قصه سفری که با ناصرالدین شاه رفتیم بهنام ابوتراپیان

طرح جلد: نازنین کنی

۴۸۰۰۰ تومان
چاپ

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میررای شیرازی، پلاک ۲۰۲، واحد ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۸۵۳۶۳۰ - ۸۸۸۵۳۶۳۱ ☎ شماره: ۸۶۰۳۴۳۵۹

سایت: www.rowzanehnashr.com

telegram.me/rowzanehnashr rowzanehnashr

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۷۷۹-۶ ISBN: 978-964-334-779-6

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

دیباچه

دستگیرم می‌شود یا نه. خیلی زود و در کمال خوشوقتی معلوم شد از طریق روزنامه خاطرات سفر شاه اطلاعات مبسوطی دربارهٔ این پرده می‌توان دریافت.

کمی که آنرا مطالعه کردم، در شگفت شدم از اینکه بسیاری مکان‌هایی که شاه بازدید کرده در برنامهٔ سفر ما نیز گنجانیده بود. به فکر رسید اگر کمی حوصله کنم و دامنهٔ جستجو را گسترش دهم، هم می‌شود کلید حل معمای پردهٔ زیچی را بدست آورد و هم مقایسه‌ای بین تجربهٔ شاه و خودمان انجام داد. دیگر از آن پس نفهمیدم چه شد که با وجود مشغله‌های گوناگون نتوانستم دل از کار بروی کتابی که اینک در دستان شماست، بکنم.

ما دربارهٔ فرهنگ ملت روس و رهاوردهایش برای بهانیان کم و بیش چیزهایی می‌دانیم؛ باله دریاچهٔ قو، محاصر لنینگراد، برادران کارامازف، کمونیزم، بریگاد فراق، جسد بیایی لنین، مرشد و مارگاریتا، میدان سرخ مسکو، مشابیه استالین، و ... اما پیوند زدن این همه به ترتیبی به ششم درک جامع و بسیطی از آن کسب کرد، آسان نیست. این است که روایت به کار می‌آید و یک پل ارتباطی مطمئن میان این مارانبوهی از اطلاعات ظاهراً پراکنده و نامربوط، برقرار می‌گردد.

تجربهٔ همداستان شدن با روس به کمک یک آشنا، هم گواراست و هم به فهم بهتر آن کمک می‌کند. گویی به این واسطه ما درون محور مختصاتی قرار می‌گیریم و موقعیت خود را بهتر درک می‌کنیم. زیرا در غربت وقتی دستان در دستان کسی باشد که با او احساس نزدیکی می‌کنیم، فراغت خاطر می‌یابیم تا با دیدگانی بازتر و حواسی جمع‌تر به سیر و سیاحت بپردازیم.

برای من سفرنامهٔ ناصرالدین شاه همین نقش را بازی

چند سال پیش، در گرماگرم نوشتن نخستین جلد از مجموعهٔ «قصه‌های طهران»، همچنانکه با داستان مرگ وزیرمختار ابراتوری روسیه و «گذر ایلچی» در طهران عتیق مشغول بودم، میل به دیدار از شهر سنت‌پترزبورگ، این شهر خالی‌نگیز موهوم، در دلم روشنی گرفت. آن زمان این سفر در ذهنم آرزوی دور و دست نیافتنی می‌مانست تا آنکه در تابستان ۱۳۶۰ با چند تن از دوستان عزمان را جزم کردیم با توی گردشگری معمول راهی روسیه شدیم.

از خیال پترزبورگ گریباندوف شری کردم و به پترزبورگ پتر کبیر و آنیچکف و داستایفسکی و ارینسکی و بیف‌استروگانف و اریتاژ و انقلاب کمونیستی و ولادیمیر پوتین، درغلتیدیم. سفرمان از چهار روز کمتر بود اما پربار شد و لذتی به یادماندنی همراه داشت. در طی سفر و پس از آن هیچ قصد نداشتم از یافته‌ها و بافته‌هایم چیزی بنویسم تا آنکه چندی بعد برخوردی اتفاقی با یک پردهٔ نقاشی تکانه داد؛ دوستی در یکی از مکاتبات مجازی تصویری برایم ارسال کرد از سفر سوم ناصرالدین شاه به پترزبورگ. ابتدا زیبایی و ظرافت نقاشی مرا مجذوب خود کرد؛ اثری از میهای زیچی، هنرمند مجار در قرن نوزدهم، که مجالس مختلفی از حضور شاه در پایتخت امپراتوری را در یک پرده ثبت کرده بود.

اندکی که گذشت و بالاخره توانستم از طلسم هنر زیچی خلاص شوم، به خود گفتم حالا که تازه از پترزبورگ برگشته‌ایم خوب است دقت کنم و ببینم آیا می‌توانم تشخیص دهم شاه در سفرش از کجاها بازدید کرده است. واری اولیه نتیجه‌ای دربرنداشت. به همین دلیل به دنبال آن رفتم که ببینم آیا از خواندن سفرنامهٔ شاه چیزی

گسترده‌تر تبعیت از آنها را در دستور کار خود قرار دهند. اما عکس‌های معاصر اغلب محصول جستجوی عمومی در گوگل است. نام عکاسان و هنرمندان مربوطه نزد اینجانب محفوظ است و در فهرست منابع نیامده زیرا به نظر می‌رسد ذکر نام ایشان برای خوانندگان ایرانی کاربردی نیست.

باید اقرار کرد که نوشتن از روسیه، برای کسی که با روسی آشنایی ندارد و واسطه‌اش نرم‌افزار ترجمه گوگل و فرهنگنامه ویکی‌پدیا و ... است، کاری دشوار به شمار می‌رود و از این لحاظ خود بر کم‌مایه و ضعیف بودن بسیاری بخش‌های کتاب آگاهم. اما میان انجام ندادن این کار و غنا نداشتنش، گزینه دوم را انتخاب کردم و امیدوارم این ضعف بر مقصود اصلی که پیوند روایت و شهر باشد، ضربه وارد نکرده باشد.

املا، شیوه نگارش متن، ارجاعات و کلیه جزئیات متن جز تنظیم فهرست اعلام همگی بر عهده خودم بوده و ناشر در آن دخالت و تصرفی نکرده است و مسئولیتی ندارد. خوب می‌دانم که این اثر پر از نقص و عیب است و خواننده‌های مکرر نیز موجب رفع عیوب نشده است. از این رو پیشاپیش از محضر خواننده دانا پوزش می‌طلبم به امید خدا. آینده دانش و مجال و مدد تکمیل آن فراهم است.

در پایان کرم است سیاست خود را از همراه و همسر عزیزم ابراز کنم که تسوول و حضور او در این کار چنان پررنگ است که شاید بتواند او را نیز به عنوان مؤلف می‌نگاشتم. از سید محمد بهشتی و ستونم که در سایه پشتیبانی مادی و معنوی او فرصت و شرف نوشتن یافتم. همچنین از آقای بهشتی مدیریت و دست‌اندرکاران نشر روزنه سپاسگذارم که با علاقه و لطف، مرا در انجام این کار تشویق کردند و اسباب به رشته تحریر درآمدن این کار را فراهم آوردند.

بهنام ابوترابی‌ان

۱۳۹۵ اسفند ۳۰

تهران بزرگ، حسن آباد زرگنده

کرد. اگر پیشتر تمایلی به ثبت دیده‌ها و تجربیات خود از سفر نداشتم از آن رو بود که خلاء این واسطه را به شدت احساس می‌کردم. اما اکنون با قرار گرفتن در کنار او و سفر کردن به سال ۱۸۸۹ میلادی مجالی مهیا می‌شود که پترزبورگ را چند بعدی و از پس لایه‌های پنهان و پیدایش بهتر ببینیم.

در سالهای اخیر تعداد زیادی از هموطنان عزیزم مسکو و سنت پترزبورگ را بعنوان مقصد سفر تابستانی خود انتخاب می‌کنند. گذشت از تعدادی، بسیاری برای دیدن و فهمیدن رگسزهای آفاق تجربه و ذهن قدم در این راه می‌نهند. اما رانندگان که دست‌آویزی مناسب و مطلوب نمی‌یابند، بهره فرهنگی چندانی از سفر خود نمی‌برند. این کتاب به نیت آنها نوشته شده تا آن‌ها به جای راهنمای گردشگری نیز می‌توان بهره‌مند شوند.

اما در باب تدوین این کتاب نکته سنی است. نخست آنکه بر سیاق «گذر ایلچی» از سه طبع ان عرق و طهران و تهران برای ذکر دوره‌های تاریخی مختلف شهر استفاده شده؛ همچنانکه از پترزبورگ و امپراطور و ... هنگام بیان گفته‌های شاه استفاده شد. اما برخلاف «گذر ایلچی» تاریخ‌ها بر اساس تقویم میلادی نوشته شده است. زیرا به نظر می‌رسد ذکر وقایعی که در ایران اتفاق نیافتاده، بر اساس تقویم هجری شمسی نامناسب باشد. ضمن آنکه به علت آشنایی عمومی با تقویم میلادی محاسبه و تبدیل زمانها برای همه آسان است. دوم نام سنت پترزبورگ است که همه‌جا پترزبورگ آمده. زیرا خواننده متن را آسانتر می‌کرد.

تمام سعیم بر آن بود تا خواننده، حتی کسی که پترزبورگ را ندیده، به کمک نقشه و تصویر و عکسهای کتاب شناختی فضایی از شهر پیدا کند تا بهتر بتواند با موضوع همراه شود. منابع تصاویر در فهرست توصیفی پایان کتاب آمده است. همانطور که معلوم است، تعداد زیادی از آنها برگرفته از مجموعه غنی و خوش کیفیت و سیاق موزه ارمیتاژ است. آن مرکز فرهنگی از این منظر سرآمد و مثال‌زدنی است. ای کاش مراکز داخلی هرچه سریع‌تر و